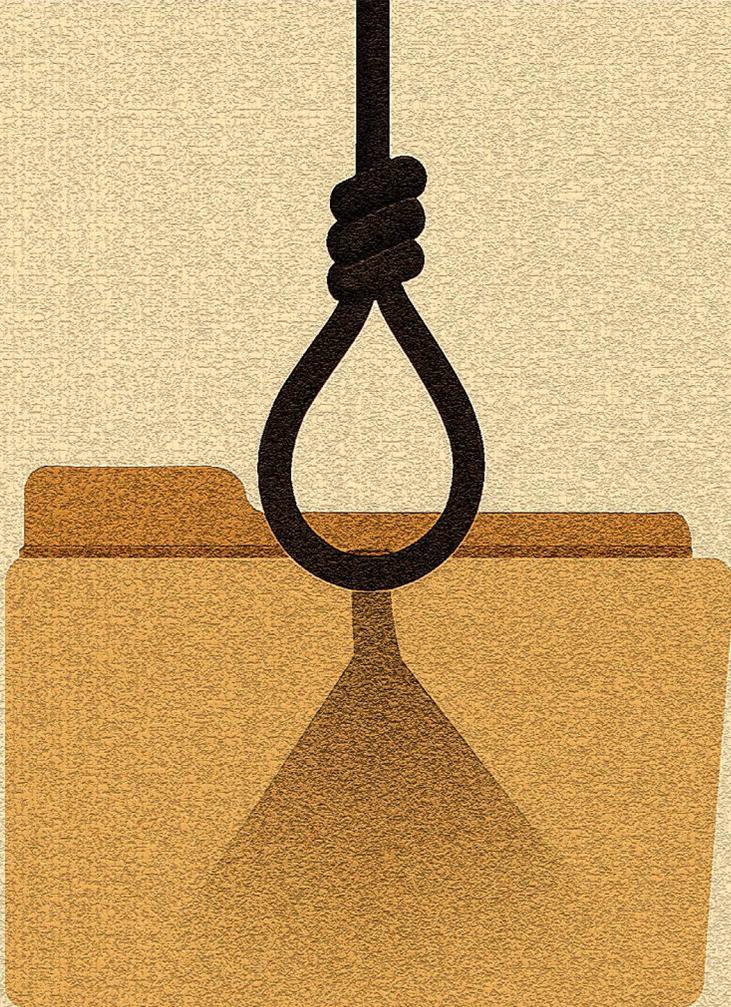


# حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال دہم، شمارہ ۲۹/۲۴۱ تیر ۲۰/۱۴۰۴ / ۲۰۲۵

نقد و بررسی طرح تشدید مجازات جاسوسے



## در این شماره می‌خوانید:

طرحی شتابزده برای تشدید سرکوب شهروندان به بهانه‌ی جنگ و جاسوسی  
ماده ۴ طرح تشدید مجازات جاسوسی؛ امنیت ملی یا تهدید آزادی‌های مدنی؟  
وقتی حکومت علیه حقیقت باشد، قانونش در خدمت انسان نیست  
طرح تشدید مجازات جاسوسی؛ بهره‌برداری فرصت طلبانه از شرایط جنگی  
طرح تشدید مجازات همکاری با اسرائیل زیر ذره‌بین؛ اعدام برای ۱۰۰ دلار

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تحریریه: نقی محمودی، امیر عباس کلهر، مینا موحد، میلاد پور عیسی و پویان مکاری

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نقی محمودی

مغایرت دارند و باید اصلاح شوند. پس از ایرادات شورای نگهبان، طرح مجدد به مجلس بازگشت و کمیسیون حقوقی ایرادات شکلی و محتوایی شورای نگهبان را برطرف کرد و در جلسه ی علنی روز ۲۲ تیر ۱۴۰۴، نمایندگان مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان اصلاحاتی را در مواد مختلف طرح اعمال کردند.

شورای عالی امنیت ملی مرجع تشخیص «دولت‌ها و گروه‌های متخاصم» معرفی شده و وزارت اطلاعات مسئول معرفی مصادیق «شبکه‌های معاند» تعیین شده است. پیش از این، تعریف مشخصی از «دولت یا گروه متخاصم» ارائه نشده بود و شورای نگهبان یکی از دلایل بازگرداندن مصوبه به مجلس را مشخص نبودن مرجع تشخیص همین موضوع عنوان کرده بود.

بر اساس مصوبه مجلس، فعالیت «اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی» برای اسرائیل یا «دولت‌های متخاصم» افساد فی الارض تلقی می‌شود و می‌تواند منجر به صدور مجازات اعدام باشد.

تعیین مجازات اعدام و مصادره اموال برای جاسوسی و همکاری با دولت اسرائیل و دولت‌های متخاصم، مشخص شدن شرایطی که مساعدت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به مجازات اعدام یا حبس تعزیری می‌شود، تعریف دقیق مصادیق همکاری نظامی، فناوریانه، سایبری و رسانه‌ای با دشمنان و تعیین

طرح «تشدید مجازات جاسوسی» به صورت دو فوریتی در جلسه علنی روز دوشنبه دوم تیر ماه ۱۴۰۴ مطرح شد. نمایندگان مجلس با اکثریت بالای آرا کلیات طرح مذکور را تصویب کردند. این طرح شامل ۹ ماده است که به‌طور خاص به مجازات‌های سنگین برای جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم می‌پردازد.

پس از تصویب در کمیسیون حقوقی و جلسه علنی مجلس طرح برای ارزیابی به شورای نگهبان ارسال شد. با ارسال طرح به شورای نگهبان، این نهاد نظارتی ایرادات متعددی را مطرح کرد:

ابهام در تعریف «دولت متخاصم» و مرجع تشخیص آن، توسعه بی‌ضابطه عنوان «افساد فی الارض» برای اقدامات غیرمستقیم، تناقض در مجازات‌ها و عدم تطابق با قانون مجازات اسلامی و همچنین ابهام در زمان اجرای قانون و امکان عطف به ماسبق شدن آن از جمله ایراداتی بود که از سوی شورای نگهبان نسبت به این طرح مطرح شد.

شورای نگهبان همچنین تأکید کرد که برخی مواد با اصول قانون اساسی و موازین شرعی

## طرحی شتابزده برای تشدید سرکوب شهروندان به بهانه‌ی جنگ و جاسوسی



مجازات‌های متناسب و همچنین تعیین نحوه رسیدگی قضایی، تشدید مجازات در شرایط جنگی از جمله اصلاحات به وجود آمده در طرح بود که موارد مذکور با اکثریت قاطع آرا تصویب شد و طرح مجدداً برای بررسی نهایی به شورای نگهبان ارسال شده است.

### موارد گسترش جرم‌انگاری جاسوسی در طرح مذکور:

یک- تشدید مجازات جاسوسی و جرائم مرتبط با آن همچون شناسایی، جذب و آموزش افراد جهت جاسوسی در مقایسه با مجازات‌های فعلی که در مواد ۵۰۱ و ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مقرر شده است.

در حال حاضر مجازات جرم جاسوسی یک تا ۱۰ سال حبس است.

دو- معرفی و شناسایی ایالات متحده آمریکا به عنوان «کشور متخاصم» به طور انحصاری، دارای ابهاماتی است. در قوانین کیفری، اصطلاح «کشورهای متخاصم» برای کشورهای خارجی و یا حتی درآمدزایی در جرم محسوب می‌شود. اما این اصطلاح تنها شامل کشورهایی نیست که وارد جنگ نظامی مستقیم با جمهوری اسلامی ایران شده‌اند؛ بلکه در مواردی نیز که کشوری بدون اقدام نظامی، اما با انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های گسترده و مستقیم علیه منافع، استقلال یا امنیت ملی ایران عمل می‌کند، می‌تواند ذیل این تعریف قرار گیرد. همین گستردگی و نبود شفافیت در معیارها، موجب ابهام در تفسیر و اجرای قانون می‌شود.

این درآمدزایی خاصه در دولت‌های باراک اوباما و جو بایدن در آمریکا، به ارقام هنگفتی بالغ شده است.

بر اساس طرح جدید نه تنها دولت‌های آمریکا و اسرائیل، بلکه «هر کشور یا گروهی که شورای عالی امنیت ملی تشخیص دهد»، می‌تواند به عنوان کشور یا نهاد متخاصم تلقی شود. به دیگر سخن، قلمرو این کشورهای معاند و متخاصم می‌تواند متغیر و مبتنی بر سلیقه و

از این رو در این طرح سعی شده به نوعی با ذکر

یک مصداق این ابهام مرتفع شود. در دهه‌های گذشته، آمریکا، خاصه در پرونده‌هایی که موضوع اتهامی در آن‌ها جاسوسی بوده، به عنوان کشور متخاصم معرفی و همکاری داشتن با آن جرم تلقی و مستوجب مجازات بوده است. در حالی که تا سال ۲۰۱۸ به لحاظ حاکمیت پیمان مودت میان آمریکا و ایران، نه تنها آمریکا کشور متخاصمی نبوده بلکه بالعکس کشور دوست و هم‌پیمان ایران بوده است.

اما در اکتبر سال ۲۰۱۸ مایک پومپئو، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، اعلام کرد که از پیمان مودت میان آمریکا و ایران خارج می‌شود. اما در زمان اعتبار این پیمان نیز عده زیادی به اتهام جاسوسی و همکاری با «کشور متخاصم» ایالات متحده آمریکا به حبس‌های طولی مدت محکوم شده بودند. تقریباً از فردای

استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، افراد متعددی حتی از اعضای دولت موقت جمهوری اسلامی، به اتهام جاسوسی برای دولت متخاصم آمریکا، محاکمه و در مواردی به اعدام یا حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند در حالی که بنا به اعتبار پیمان مورد بحث (مودت) و مواردی که ذکر شد، نه تنها دولت‌های ایران و آمریکا در تخاصم نبوده‌اند، بلکه به دفعات هریک در دیوان عالی دادگستری لاهه به پیمان مذکور متوسل شده‌اند.

سه- پیش‌بینی برخی جرم‌انگاری‌های جدید، برای مثال در ماده دو نقض مصوبات شورای عالی امنیت ملی کشور جرم تلقی شده است. همچنین در ماده شش اجرای تحریم‌های آمریکا یا کشورهای متخاصم علیه ایران، توسط اشخاص و نهادهای دارای تابعیت ایرانی و یا مستقر در ایران جرم‌انگاری شده است و یا اینکه در ماده هفت هرگونه تصویربرداری از صحنه جرائم منجر به سلب حیات یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی و یا سوانح و حوادث منجر به فوت یا صدمات بدنی یا اقدام‌های تروریستی و همچنین نشر و بازنشر این موارد جرم تلقی شده است.

چهار- اعمال و برقراری حمایت‌های حقوقی و قضایی از افرادی که مورد تحریم دولت‌های متخاصم قرار گرفته‌اند. پیش‌بینی دیگری است،

آمریکا در ایران دستگیر و محاکمه شده است،



که در طرح پیشنهادی لحاظ شده است.

### ابهامات طرح:

یک - در ماده نخست طرح، این ابهام جدی وجود دارد که آیا تشدید مجازات جاسوسی و پیش‌بینی مجازات افساد فی الارض در مواردی است که جاسوسی برای کشورهای متخاصم صورت گرفته باشد یا سایر موارد جاسوسی را نیز در بر می‌گیرد. همچنین از لحاظ تنقیحی باید مواد قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات در این خصوص به عنوان قانون مرجع اصلاح شود.

دو- اگرچه یکی از اهداف عمده طرح حاضر رفع ابهام از عبارت کشورهای متخاصم است، ولی از آنجا که در ماده یک به جای تعریف کشورهای

متخاصم، صرفاً به ذکر دو مصداق اشاره نموده است همچنان این ابهام در قلمرو مفهومی این عبارت وجود دارد و ذکر دو مصداق نمی‌تواند رافع ابهام باشد، لذا لازم است مقنن در این خصوص تعریف صریح و روشنی را ارائه دهد. سه- همچنین به نظر می‌رسد در برخی از موارد کیفرهای در نظر گرفته شده برای رفتارها، از تناسب کافی بین جرم و مجازات، برخوردار نیست. بر همین اساس ارسال خبر، تحلیل یا تصویر به رسانه‌هایی که «وابسته یا هم‌سو با دشمن» خوانده می‌شوند، تا ۱۰ سال زندان دارد و استفاده از تجهیزات «ارتباطی ماهواره‌ای» نظیر استارلینک نیز ممنوع اعلام شده و مجازات آن شامل شش ماه تا دو سال حبس تعیین شده است که مجازات سنگینی بوده و تناسبی کافی بین جرم و مجازات وجود ندارد. چهار- درخصوص ضرورت تشدید مجازات همکاری‌کنندگان با دولت‌های متخاصم باید توجه داشت که در فرایند وضع تحریم، اشخاص غیرآمریکایی که چه بسا تابعیت ایرانی دارند ولی مقیم کشورهای دیگر هستند نیز مشغول به ارائه خدمات اطلاعاتی، رسانه‌ای و فکری به وزارت خزانه‌داری آمریکا هستند.

پنج- با توجه به اینکه در خصوص برخی مواد این طرح در حال حاضر مواد قانونی متناظر و مشابهی وجود دارد، لازم است ارتباط این مواد با مواد قانونی مزبور از جهت ناسخ و منسوخ بودن

تعیین شود.

هشت- با عنایت به اینکه در لایحه تعزیرات شش- در مواد سه و چهار طرح مذکور که از سوی قوه قضائیه به دولت ارسال شده، مشخص نیست که آیا تشدید مجازات جرم در فصل مربوط به جرائم علیه امنیت داخلی و شناسایی و معرفی افراد برای جاسوسی و یا جرم تخلیه اطلاعاتی در مواردی است که این پیش‌بینی شده، لازم است چنانچه این طرح به اقدامات برای کشورهای متخاصم صورت گیرد تا مشمول تشدید مجازات موضوع این مواد قرار گیرد و یا در سایر موارد نیز حکم جاری است. مفاد این طرح تغییر و اصلاح شود.

هفت- برخی موضوعاتی که در طرح ذکر شده نه - مصادیق جرم جاسوسی در طرح مذکور ارتباط مستقیم و سنخیتی با موضوع اصلی طرح به مصادیق کلاسیک آن محدود نشده بلکه ندارد. برای مثال ذکر حمایت قانونی از افراد طیف گسترده‌ای از اقدامات سایبری، علمی، مورد تحریم و تعقیب در ماده پنج این طرح، از رسانه‌ای، اقتصادی و فناوری را هم شامل لحاظ اصول تنقیحی درست نیست. می‌شود.

## مینا موحد

محدود کردن آزادی بیان هستند. این قانون می‌تواند شامل شهروندان و کاربران فضای مجازی، روزنامه‌نگاران، پژوهش‌گران و حتی کنش‌گران مدنی نیز بشود و زمینه صدور احکام مجازات بی‌ضابطه را فراهم آورد.

در گفت‌وگو با شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده جایزه صلح نوبل، می‌خواهیم بدانیم آیا این ماده قانونی ابزاری برای مقابله با تهدیدات واقعی امنیتی است یا بستری برای گسترش دامنه جرایم سیاسی و امنیتی و در نتیجه محدودسازی فضای عمومی کشور محسوب می‌شود.

**خانم عبادی! هدف اصلی تدوین این قانون چیست؟ آیا قوانین قبلی در مورد جاسوسی و همکاری با دشمن کافی نبوده که نیاز به تدوین و تصویب این طرح باشد؟**

به عقیده من هدف از تدوین و تصویب این قانون و همچنین دستور رییس قوه قضاییه که تاکید می‌کند باید رسیدگی به این گونه پرونده‌ها تسریع شود، زهر چشم گرفتن از مخالفین و معترضین است. این‌ها می‌خواهند از یک جنبش اجتماعی دیگر مانند «زن، زندگی، آزادی» پیش‌گیری کرده و علاج واقعه قبل از وقوع کنند. در واقع جنبه ارباب قضیه را سنگین‌تر می‌کنند.

می‌خواهم توجه شما را به این مساله جلب کنم

بلافاصله پس از جنگ ۱۲ روزه و حمله اسرائیل به ایران و در فضای ملتهب و احساس تهدید شدید امنیتی، نمایندگان مجلس طرحی دو فوریتی با عنوان «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» تهیه کردند. این طرح با حمایت نهادهایی چون کمیسیون امنیت ملی، سازمان اطلاعات سپاه و برخی اعضای شورای امنیت ملی تدوین شد و پس از چند نوبت اصلاحات در ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴ با اکثریت آرا در مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

این قانون در ظاهر برای مقابله با جاسوسی و افزایش امنیت ملی مطرح شد اما شیوه تدوین، شتاب‌زدگی، تعاریف مبهم و گستره وسیع آن باعث خواهد شد بیش از آن‌که بازدارنده باشد، زمینه‌های سوءاستفاده امنیتی و سیاسی را در کشور افزایش دهد.

به ویژه ماده ۴ این طرح جنجالی، زنگ خطری برای نهادهای مدنی، رسانه‌ها و حتی شهروندان عادی به صدا درآورده است. در این ماده، مرز میان «انتقاد» و «همکاری با دشمن» چنان مبهم است که بسیاری نگران سوءاستفاده از آن برای سرکوب مخالفان و

## ماده ۴ طرح تشدید مجازات جاسوسی؛ امنیت ملی یا تهدید آزادی‌های مدنی؟



که رهبر جمهوری اسلامی چند سال پیش گفته بود خدای دهه ۶۰ هنوز زنده است. بسیار قبل تر از وقوع این شرایط، رهبر و سایر دست اندرکاران رژیم ایران به مردم هشدار داده بودند که اگر بخواهید شلوغ کنید یا به عبارت دقیق تر بخواهید حق تان را مطالبه کنید، خدای دهه ۶۰ به سراغتان می آید.

من شخصا چندین بار نسبت به جان زندانیان سیاسی اعلام خطر کردم و می ترسم از این که خدای رهبر که خدای قهراری است، سراغ زندانیان برود.

**چه مرجع قضایی و قانونی درباره مصادیق مواردی که جرم انگاری شده، تصمیم گیرنده است؟**

طبق اصول کلی و حتی قوانینی که در خود جمهوری اسلامی تصویب شده، مرجع تشخیص نهایی دادگاه است. اما سالهاست، حتی از همان ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی، دادگاهها در این موارد استقلال رای ندارند. این پروندهها به دادگاه انقلاب ارجاع می شود و قضات دادگاه انقلاب هیچ کدام مستقل عمل نمی کنند. در پروندههایی که در دادگاه انقلاب رسیدگی می شود، بازجوهای امنیتی هستند که تصمیم می گیرند عمل مجرمانه ای صورت گرفته است یا نه و این عمل تحت عنوان کدام ماده قانونی قرار می گیرد و چطور باید حکم صادر شود.

مصادیق اینها به هیچ عنوان مشخص نیست. مثلا اگر خانه من به عنوان شهروند در اثر بمب خراب شود و من عکس تخریب خانه ام را بگیرم و بگویم «خانه خراب شده ام» یا «خانواده و بستگانم زیر این آوار از بین رفته اند به من کمک کنید»، حتی این را می توانند جاسوسی تعبیر کنند و من را به زندان بیندازند. عکس گرفتن از اماکنی که تخریب شده است چطور می تواند درز

**در ماده چهار این قانون، ارسال فیلم و تصویر به رسانه یا شبکه های مجازی بیگانه که موجب تفرقه، خدشه به امنیت ملی و تضعیف روحیه عمومی شود، جرم انگاری شده است. آیا مصادیق این موارد مشخص و شفاف است؟**

مصادیق اینها به هیچ عنوان مشخص نیست. مثلا اگر خانه من به عنوان شهروند در اثر بمب خراب شود و من عکس تخریب خانه ام را بگیرم و بگویم «خانه خراب شده ام» یا «خانواده و بستگانم زیر این آوار از بین رفته اند به من کمک کنید»، حتی این را می توانند جاسوسی تعبیر کنند و من را به زندان بیندازند. عکس گرفتن از اماکنی که تخریب شده است چطور می تواند درز

امنیتی تصمیم گیرنده هستند. بیرون می برده، مبدا مورد استفاده دشمن قرار گیرد. ولی دیدیم چطور جای او را پیدا کردند. حتی یکی دیگر از سران، برای رد گم کردن ماشینش را عوض کرده بودند ولی اسراییل به ماشین دوم حمله کرد و او کشته شد.

**به نظر شما ماده ۴ این قانون چه تبعاتی در کشور به دنبال خواهد داشت. آیا باعث نمی شود فعالان رسانه ای و شهروند خبرنگاران به اتهام جاسوسی تحت پیگرد قرار گیرند و این قانون ابزاری باشد برای حذف هرگونه اعتراض و انتقاد؟**

دقیقا این قانون به همین منظور تدوین شده است. مثال هم زدیم که اگر خانه ام خراب شده باشد، با یک عکس و فیلم از این خرابی، بازجو می تواند این را جاسوسی برای دشمن تلقی کند و حتی من را تا پای اعدام هم ببرد؛ این قانون فقط به منظور ارعاب مردم طرح شده است. و شهروندان تاثیری ندارد و امنیت ملی را افزایش نمی دهد. شهروندان و جوانان قبلا ممنوع اعلام کردند، عکس و فیلم گرفتن بود. اینها عنوان می کنند این عکسها و فیلمها می تواند اطلاعات بدهد به دشمن که کجاها را زده تا دفعه بعدی دقیق تر بمباران انجام دهد. این حرف واقعا بیچگانه و بی معنی است. فراموش نکنیم اطلاعات اسراییل در این جنگ نشان داد حتی آدرس پستوی خانه سران رژیم را هم دارند. شما صحبت های فرزند حاجی زاده را بشنوید که گفته وقتی پدرش می خواسته حرف بزند همه تلفن ها و دستگاه های الکترونیکی را از اتاق

دقیقا این قانون به همین منظور تدوین شده است. مثال هم زدیم که اگر خانه ام خراب شده باشد، با یک عکس و فیلم از این خرابی، بازجو می تواند این را جاسوسی برای دشمن تلقی کند و حتی من را تا پای اعدام هم ببرد؛ این قانون فقط به منظور ارعاب مردم طرح شده است. و شهروندان تاثیری ندارد و امنیت ملی را افزایش نمی دهد. شهروندان و جوانان قبلا ممنوع اعلام کردند، عکس و فیلم گرفتن بود. اینها عنوان می کنند این عکسها و فیلمها می تواند اطلاعات بدهد به دشمن که کجاها را زده تا دفعه بعدی دقیق تر بمباران انجام دهد. این حرف واقعا بیچگانه و بی معنی است. فراموش نکنیم اطلاعات اسراییل در این جنگ نشان داد حتی آدرس پستوی خانه سران رژیم را هم دارند. شما صحبت های فرزند حاجی زاده را بشنوید که گفته وقتی پدرش می خواسته حرف بزند همه تلفن ها و دستگاه های الکترونیکی را از اتاق

دقیقا این قانون به همین منظور تدوین شده است. مثال هم زدیم که اگر خانه ام خراب شده باشد، با یک عکس و فیلم از این خرابی، بازجو می تواند این را جاسوسی برای دشمن تلقی کند و حتی من را تا پای اعدام هم ببرد؛ این قانون فقط به منظور ارعاب مردم طرح شده است. و شهروندان تاثیری ندارد و امنیت ملی را افزایش نمی دهد. شهروندان و جوانان قبلا ممنوع اعلام کردند، عکس و فیلم گرفتن بود. اینها عنوان می کنند این عکسها و فیلمها می تواند اطلاعات بدهد به دشمن که کجاها را زده تا دفعه بعدی دقیق تر بمباران انجام دهد. این حرف واقعا بیچگانه و بی معنی است. فراموش نکنیم اطلاعات اسراییل در این جنگ نشان داد حتی آدرس پستوی خانه سران رژیم را هم دارند. شما صحبت های فرزند حاجی زاده را بشنوید که گفته وقتی پدرش می خواسته حرف بزند همه تلفن ها و دستگاه های الکترونیکی را از اتاق

**مجازاتاتی که برای موارد ذکر شده در ماده ۴ این قانون در نظر گرفته شده، حبس تعزیری و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی است. در این ماده اصول عدالت کیفری و تناسب جرم و مجازات رعایت شده است؟**

به طور قطع موازین قانونی رعایت نشده است. به عنوان مثال یکی از مجازاتی که اعمال می‌کنند عدم دسترسی به شبکه‌های اجتماعی است. یعنی اینترنت موبایل شخص را قطع می‌کنند و این را به عنوان مجازات تکمیلی اعمال می‌کنند که اینها تماما خلاف قانون است.

این که من عکسی از خانه‌ام بگیرم و تازه بخواهند با شفقت اسلامی با من برخورد کنند، اینترنت موبایل مرا قطع می‌کنند و حق دسترسی به شبکه‌های اجتماعی را ندارم. یعنی درهای ارتباطات و اطلاعات را به روی من می‌بندند. حکم زندان و موارد دیگر هم که جای خود.

### در شرایط بحرانی مثل جنگ یا اعتراضات، چطور می‌توان بین جاسوسی واقعی و انتقاد مشروع و اطلاع‌رسانی تفاوت قائل شویم؟

در شرایط ایران باید ببینیم موقعیت اداری و سیاسی شخص چیست. یعنی این شخص در جایگاهی است که دسترسی به اطلاعات مهم دارد یا نه. شهروند عادی که دسترسی به اطلاعات مهم ندارد چطور می‌تواند جاسوسی کند و اصلا از چه چیزی جاسوسی کند.

جاسوسی این است که شما اطلاعات خاصی به دشمن بدهید اما کسی که معلم است، صبح سرکار می‌رود و عصر برمی‌گردد یا راننده است

یا سوپر مارکت دارد، چه اطلاعاتی می‌خواهد به دشمن بدهد؟ بنابراین اگر بخواهند دنبال جاسوسی بگردند باید بین کسانی باشد که دسترسی به اطلاعات و اخبار ویژه دارند. یعنی آدم‌هایی که در ارتباط با حکومت هستند و سمتی در حکومت دارند.

این چیزی است که حتی خود حکومتی‌ها هم قبلا چند بار اشاره و تاکید کرده‌اند. از جمله احمدی‌نژاد وقتی رییس جمهور بود به این مساله اشاره کرد و یک بار هم علی یونسی،

که عزیزی را در اثر بمباران از دست داده، فیلم گرفته‌ای. این حرفها بی‌معنی است و کسی باور نمی‌کند. این قانون فقط به نفع بیشتر مردم از حکومت منجر خواهد شد.

### آیا این ماده قانونی با موازین بین‌المللی مانند آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات و اصلا با خود قوانین جمهوری اسلامی هماهنگی دارد؟

این قانون با قانون اساسی ایران و با قوانین بین‌المللی انطباق ندارد و فرسنگ‌ها از آن فاصله دارد. این که خدای دهه ۶۰ زنده است خیلی معنا دارد. خودشان می‌دانند دهه ۶۰ چه جنایاتی کرده‌اند و این که در گذشته وعده می‌دهند آن خدا زنده است و بعد چنین قوانینی تصویب می‌کنند یعنی می‌خواهند مثل آن زمان کشتار راه بیندازند، اگر مردم حرف بزنند و اعتراض کنند. می‌خواهند سرکوب و کشتار را قانونی کنند، ولی جنایت هرگز قانونی نمی‌شود.

در واژگان حقوقی، هر کلمه بار معنایی خاصی دارد. همچنین تدوین و تصویب قانون ابزاری نیاز دارد و با تشریفات همراه است و هدف آن ایجاد نظم یا جهت دهی فرهنگی در اجتماع است. ولی متأسفانه این قانون فاقد چنین وجاهتی است.



وزیر اطلاعات دولت روحانی، گفت میزان نفوذ دشمن به حدی است که همه مسئولان باید از جان خود بترسند.

در عمل هم این موضوع ثابت شد که آن قدر نفوذ دارند که بتوانند وارد ایران شوند، پهباد درست کنند یا مونتاز کنند و بعد با آن پدافندها یا مکان‌های مهم را بزنند و این شلیک‌ها از داخل خاک ایران باشد. آن وقت می‌خواهند شهروند عادی را به جرم جاسوسی دستگیر کنند که چرا عکس از خانه‌ات گرفته‌ای یا چرا از همسایه‌ات

## وقتی حکومت علیه حقیقت باشد، قانونش در خدمت انسان نیست



### پویان مکاری

قانون اساسی ایران، فقه اسلامی و تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی در تضاد آشکار است و اجرای آن می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای جامعه، نخبگان و حتی شهروندان ایرانی خارج از کشور داشته باشد.

**آیا در تاریخ قانون‌گذاری کشورهای دیگر از تصویب قوانینی مشابه طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با اسرائیل» وجود داشته است؟ به‌ویژه قوانینی که استفاده از ابزارهای ارتباطی یا اینترنتی را جرم‌انگاری کرده باشند؟**

در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۵۲۰۲ مجلس شورای اسلامی طرحی را با عنوان «تشدید مجازات برای جاسوسی و همکاری با دشمنان» تصویب کرد که همکاری با اسرائیل و ایالات متحده را مصداق «فساد فی الارض» می‌داند و برای آن حکم اعدام وضع می‌کند. ماده ۲ این قانون «هرگونه فعالیت امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی یا فناوری و هر اقدام مستقیم یا غیرمستقیمی که به تقویت یا مشروعیت بخشی اسرائیل منتهی شود» را ذیل همین عنوان می‌برد. بر این اساس دامنه جرم بسیار وسیع است و «گرفتن عکس یا فیلم برای رسانه‌های خارجی»، «انتشار خبر یا شایعه‌ای که به‌زعم حاکمیت امنیت ملی یا روحیه عمومی را تضعیف کند» و حتی «در اختیار داشتن یا استفاده از دستگاه‌های اینترنت ماهواره‌ای مانند استارلینک» را شامل می‌شود؛ مجازات این موارد از زندان طولانی‌مدت تا اعدام

در ماه‌های پس از جنگ ۱۲ روزه حکومت‌های ایران و اسرائیل، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد که از همان ابتدا نگرانی‌های گسترده‌ای را میان حقوق‌دانان، فعالان مدنی و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر برانگیخت. «طرح تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با اسرائیل و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و نه تنها فعالیت‌های اطلاعاتی یا نظامی، بلکه اقداماتی مانند انتشار اخبار، تماس علمی یا فرهنگی با جهان خارج و حتی استفاده از ابزارهای ارتباطی مستقل مانند استارلینک را مشمول مجازات‌های سنگین می‌کند.

در گفت‌وگو با شهرام ایرانبومی، وکیل ایرانی ساکن آلمان، به بررسی ابعاد حقوقی، تاریخی، فقهی و بین‌المللی این قانون پرداخته‌ایم. او با مرور نمونه‌های مشابه در تاریخ، از دوران مک‌کارتیسم در آمریکا گرفته تا قوانین تبعیض‌آمیز نورنبرگ در آلمان نازی، به ما نشان می‌دهد که چگونه قانون‌گذاری مبهم و مبتنی بر ترس می‌تواند به ابزاری برای سرکوب و نقض سیستماتیک حقوق بشر تبدیل شود. آقای ایرانبومی معتقد است قانون جدید با اصول

است. این طرح همچنين «جاسوسی و همکاري با اسرائيل، آمریکا يا ساير دولت‌های خصم» را بی‌درنگ مصداق «فساد فی الارض» دانسته و برای آن حکم اعدام مقرر کرده است. این رویکرد یادآور دو تجربه تاریخی خطرناک است. نخست، «مک‌کارتیسم» در آمریکا که در دهه ۱۹۵۰ به نام مبارزه با نفوذ کمونیسم، فضایی از اتهام‌زنی و ترس ایجاد کرد و بسیاری از افراد با تنها «اتهام وفاداری به بیگانه» کار و حیثیت خود را از دست دادند. در این دوره کمیته‌های تحقیقاتی سنای آمریکا به گفته دانشنامه متمدن اول قانون اساسی، با «تحقیقات نامتعارف» و اتهام‌زنی بدون مدارک، حقوق مدنی افراد را پایمال کردند.

### در کشورهای پیشرفته چه سازوکارها و قوانینی وجود دارد که از تصویب قوانین تبعیض‌آمیز یا محدودکننده بی‌رویه در زمینه استفاده از ابزارهای ارتباطی و اینترنتی جلوگیری کند؟

نظام‌های حقوقی پیشرفته چندین سازوکار دارند که از تصویب قوانین مبهم و محدودکننده جلوگیری می‌کند. اول نظارت قضایی و حقوق اساسی که از طریق دادگاه‌های عالی انجام می‌گیرد. این دادگاه‌ها حق دارند قوانین مخالف حقوق بنیادین را باطل کنند.

دیوان عالی ایالات متحده در پرونده *aniloraC htroN .v mahgnickaP* قانونی را که دسترسی برخی محکومان به شبکه‌های اجتماعی را ممنوع می‌کرد، به دلیل عدم تناسب و نقض آزادی بیان، لغو کرد. در *oneR .v ULCA* نیز بخش‌هایی از قانون ارتباطات که محتوای اینترنتی را به‌طور مبهم ممنوع می‌کرد، باطل شد.

همچنین در این کشورها فرایند قانون‌گذاری شفاف است و بر پارلمان‌ها نظارت می‌شود. کمیسیون‌ها و شوراهای مستقل، پیش‌نویس قوانین را از منظر حقوق بشر و سازگاری با قانون

است. این طرح همچنين «جاسوسی و همکاري با اسرائيل، آمریکا يا ساير دولت‌های خصم» را بی‌درنگ مصداق «فساد فی الارض» دانسته و برای آن حکم اعدام مقرر کرده است.

این رویکرد یادآور دو تجربه تاریخی خطرناک است. نخست، «مک‌کارتیسم» در آمریکا که در دهه ۱۹۵۰ به نام مبارزه با نفوذ کمونیسم، فضایی از اتهام‌زنی و ترس ایجاد کرد و بسیاری از افراد با تنها «اتهام وفاداری به بیگانه» کار و حیثیت خود را از دست دادند. در این دوره کمیته‌های تحقیقاتی سنای آمریکا به گفته دانشنامه متمدن اول قانون اساسی، با «تحقیقات نامتعارف» و اتهام‌زنی بدون مدارک، حقوق مدنی افراد را پایمال کردند.

دوم «قوانین نورنبرگ» در آلمان نازی که با تعریف تبعیض‌آمیز «یهودی»، تمام افراد دارای اصل و نسب یهودی را از تابعیت آلمانی محروم کرده و حقوق پایه آنان را سلب کرد. این قوانین راه را برای اجرای سلسله‌ای از اقدامات سرکوبگرانه و نسل‌کشی هموار کردند و نشان دادند که چگونه قانون‌گذاری مبهم و تبعیض‌آمیز می‌تواند به ابزار سرکوب و حذف تبدیل شود.

در بسیاری از کشورهایی که رابطه ملت و دولت متشخص است، قوانین مشابهی وضع شده است که دسترسی به ابزارهای ارتباطی را جرم‌انگاری می‌کند. به‌عنوان نمونه تلفن‌های ماهواره‌ای در کشورهایی مانند بنگلادش، چاد، کره شمالی و ترکمنستان ممنوع است. روسیه نیز داشتن تلفن ماهواره‌ای بدون ثبت یا مجوز را جرم می‌داند و

اساسی بررسی می‌کنند و مشارکت جامعه مدنی و رسانه‌ها نیز نظارت عمومی ایجاد می‌کند. این را هم باید در نظر داشت که کشورهای اروپایی تحت نظارت دادگاه اروپایی حقوق بشر هستند و هر محدودیت باید «ضروری در جامعه‌ای دموکراتیک» و متناسب با هدف مشروع باشد. چنین نظارتی مانع تصویب قوانین مبهم می‌شود.

با نگاهی به تاریخچه این کشورها می‌توان دید که آنها هم در گذشته به دلیل نبود شفافیت در قانون و عدم نظارت نهادهای مردمی با چنین بی‌قانونی‌ها روبرو بودند.

در دوران دیکتاتوری ناسیونال‌سوسیالیستی آلمان (۱۹۳۳-۱۹۴۵)، همزمان با کنترل کامل بر رسانه‌ها، رژیم هیتلر شنیدن ایستگاه‌های رادیویی خارجی را ممنوع اعلام کرد. به‌ویژه شنیدن رادیو بی‌بی‌سی به‌عنوان صدای دشمن جنگی، جرمی کیفری تلقی می‌شد و مجازات‌های بسیار سنگینی در پی داشت.

در نخستین روز جنگ جهانی دوم برابر با یک سپتامبر ۱۹۳۹، آلمان نازی فرمانی صادر کرد. بر اساس این فرمان، هرگونه گوش‌دادن به رادیوهای خارجی، به ویژه بی بی سی ممنوع شد. نقض این فرمان می‌توانست منجر به حبس و کار اجباری در اردوگاه‌ها، سلب تابعیت و مصادره اموال و در موارد جدی - به‌ویژه هنگام انتقال اطلاعات - حکم اعدام شود.

با توجه به اینکه ماده ۵ این طرح استفاده از ابزارهایی مانند استارلینک را جرم‌انگاری کرده و مسیرهای مستقل ارتباطی با جهان خارج را مسدود می‌کند، این رویکرد از منظر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل دسترسی آزاد به اطلاعات و ارتباطات، چه جایگاهی دارد؟

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق جست‌وجو و دریافت اطلاعات از هر طریق و بدون مرز را تضمین می‌کند. بر اساس استانداردهای بین‌المللی، محدودیت این حق تنها در صورتی مجاز است که در قانون به‌صورت روشن و دقیق تعریف شده باشد و هدفی مشروع مانند امنیت ملی یا نظم عمومی را دنبال کند و همچنین ضروری و متناسب با هدف باشد.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر بر این اصل تأکید دارند که حقوقی که مردم در فضای واقعی دارند، باید در فضای مجازی نیز احترام گذاشته شود. همچنین گزارش‌های بین‌المللی هشدار می‌دهند که قطع اینترنت و مسدودکردن ارتباط مستقل با جهان، به‌خصوص در شرایط بحرانی، ناقض حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان است. بنابراین، جرم‌انگاری استفاده از استارلینک بدون تفکیک مصادیق مشروع از غیرمشروع، با تعهدات ایران به میثاق حقوق مدنی و سیاسی ناسازگار است و می‌تواند نقض حقوق بشر محسوب شود.

در این ماده شدت مجازات به «قصد مقابله با نظام» بستگی دارد. با توجه به ابهام این اصطلاح و تجربه‌های پیشین در نظام کیفری



ایران، از نظر حقوقی چگونه می‌توان این قصد را به شکل قابل اثبات و قابل دفاع تعیین کرد؟ آیا مشابه چنین مفهومی در نظام‌های حقوقی دیگر وجود دارد؟

در حقوق کیفری مجازات متناسب زمانی اعمال می‌شود که سوءنیت همراه با فعل مجرمانه عینی ثابت شود. اصطلاح مبهم قصد مقابله با نظام بدون تعریف دقیق، امکان تفسیر دلخواه را فراهم می‌کند. در نظام‌های حقوقی دیگر، جرم براندازی یا شورش تنها در صورتی محقق می‌شود که شخص به‌طور صریح برای استفاده از زور یا خشونت علیه حکومت اقدام کند یا دیگران را به چنین عملی تحریک کند. قوانین قدیمی‌ای که صرف مخالفت با دولت را جرم می‌دانستند، مانند قانون «بیگانه و فتنه ۱۷۹۸» در ایالات متحده، به دلیل سوءاستفاده برای سرکوب مخالفان لغو شدند. نتیجه آنکه در نظام‌های حقوقی مدرن، اصطلاحاتی شبیه مقابله با نظام باید به‌طور دقیق تعریف شود و نمی‌توان صرف نیت فرضی یا استفاده از ابزار ارتباطی را به‌عنوان جرم تلقی کرد.

است، نه دشمن‌سازی و قانون‌سازی مبتنی بر ترس. این قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با اسرائیل» اجازه می‌دهد مجازات اعدام برای اعمالی اعمال شود که پیش‌تر جرم محسوب نمی‌شد، از جمله «تبلیغ علیه نظام» یا «همکاری با رسانه‌های دشمن». با تصویب این قانون حتی ورود ایرانیان خارج کشور به ایران می‌تواند برای آنها خطرناک باشد.

زیرا هر عملی از جمله انتشار یک عکس بدون حجاب در شبکه‌های مجازی مصداق مقابله با نظام باشد و فرد را به زندان بیاورد. تصویب این طرح اصول حقوقی و شرعی را نقض می‌کند. عفو بین‌الملل نیز تاکید می‌کند که مقامات ایرانی پس از حملات اسرائیل در تابستان ۲۰۲۵ ده‌ها نفر را به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین و خواهان محاکمه و اعدام سریع آنان شده‌اند؛ این سازمان یادآور می‌شود که قانون جدید بسیاری از رفتارهای مربوط به آزادی بیان - مثل مشروعیت‌بخشی به اسرائیل یا پراکنده کردن شایعات - را به‌عنوان افساد فی‌الارض تلقی می‌کند. در نتیجه، قانون جدید تعریف جاسوسی و همکاری را بسیار مبهم و گسترده کرده و این تباهی را به اتهام همکاری می‌بهم بودن، همراه با مجازات‌های سنگین، زمینه سوءاستفاده دستگاه‌های امنیتی و قضایی را فراهم می‌کند.

با توجه به اینکه استفاده از ابزارهایی مانند استارلینک بطور ذاتی عمل حرامی نیست، از منظر فقهی چه مبنایی برای جرم‌انگاری و تعیین مجازات شدید برای استفاده از این ابزارها وجود دارد؟ آیا فقط احتمال سوءاستفاده می‌توان مجوز شرعی برای حبس تعزیری باشد؟

از منظر فقهی و اخلاق اسلامی نیز چنین قوانینی با مبانی عدالت فاصله دارد. امام اول شیعیان می‌گوید مردم جز با امام عادل اصلاح نمی‌شوند و در کلام دیگری عدالت را باعث گشایش و ظلم را مایه گرفتاری دانسته است. همچنین در روایات آمده است که بدترین مردم

در قیامت حاکم ستمگر است و برترین جهاد، گفتن حق در برابر حاکم ظالم به شمار می‌رود. مقایسه این آموزه‌ها با قانونی که هر نوع تماس علمی، فرهنگی یا اقتصادی با جهان خارج را با برچسب همکاری با دشمن جرم‌انگاری می‌کند و مجازات‌های سنگین از جمله اعدام مقرر می‌کند، پرسش‌هایی جدی در مورد مشروعیت و عدالت آن ایجاد می‌کند. همان‌گونه که تجربه مک‌کارتیسم و قوانین نورنبرگ نشان می‌دهد،

قانون‌گذاری مبهم و امنیتی کردن ارتباطات علمی و فرهنگی به بهانه مبارزه با نفوذ دشمن به جای حفاظت از جامعه، باعث نقض کرامت انسان‌ها، مهاجرت نخبگان و گسترش فضای خوف و خودسانسوری می‌شود.

در فقه اسلامی، اصل «الاصل فی الاشیاء

الاباحه» بیان می‌کند که همه چیزها تا زمانی که دلیل بر حرمت آنها وجود ندارد، مباح هستند. قاعده «سد ذرایع» اجازه می‌دهد کاری که در ذات خود مباح است در صورت اینکه اغلب به عمل حرام بیانجامد ممنوع شود، اما فقهای مجمع فقه اسلامی تصریح کرده‌اند که اگر منافع عملی بر ضرر احتمالی غالب باشد یا وقوع ضرر قطعی نباشد، منع جایز نیست.

استفاده متعارف از استارلینک برای ارتباط، آموزش یا تجارت حرام نیست؛ پس جرم‌انگاری کلی آن و اعمال مجازات‌های سنگین صرفاً به دلیل احتمال سوءاستفاده با اصول فقهی مغایر است.

بنابراین، نقد حقوقی و تاریخی این قانون نشان می‌دهد تبدیل اتهام مبهم همکاری با دشمن به حکم اعدام، نقض اصل عطف به ماسبق و تعریف گسترده جرم، مغایر با اصول حقوق کیفری، قانون اساسی و حتی مبانی عدالت اسلامی است. درسی که از تاریخ می‌آموزیم این است که عدالت و شفافیت معیار مشروعیت است، نه دشمن‌سازی و قانون‌سازی مبتنی بر ترس.

رفتارهای حکومت‌هایی که با استفاده از قانون، حقوق مردم و امت را سرکوب می‌کنند، از منظر قرآن و حدیث با توجه به اصل عدالت، کرامت انسان، نهی از ظلم و حکومت امانت‌دار، که بنیاد مشروعیت هر حکومتی است.

اگر حاکم یا حکومت از این اصول فاصله بگیرد،

نه تنها مشروعیت خود را از دست می‌دهد، بلکه مورد خشم الهی و لعنت پیامبر نیز قرار می‌گیرد. مسلمانان مطابق حدیث پیامبر مامورند که در برابر چنین ظلمی سکوت نکنند؛ بلکه با گفتن حق و بازداشتن حاکم از ظلم، هم مظلوم را یاری کنند و هم ظالم را از ادامه ظلم بازدارند.

**ممنوعیت استفاده و توزیع ابزارهای ارتباطی مانند استارلینک، از منظر اصول قانون اساسی ایران، به‌ویژه اصول مرتبط با آزادی بیان و ارتباطات، چه چالشی ایجاد می‌کند؟ آیا می‌توان آن را محدودیتی مشروع دانست یا نقض صریح حقوق اساسی شهروندان است؟**

قانون اساسی ایران در اصل ۲۴ آزادی مطبوعات و بیان را تضمین می‌کند، مگر آنکه به مبادی اسلام یا حقوق عمومی لطمه بزند. اصل ۵۲ نیز سانسور و کنترل ارتباطات خصوصی را به‌جز مواردی که قانون آشکارا اجازه می‌دهد، ممنوع می‌کند. اصول ۳۶ و ۳۷ بر محاکمه عادلانه و اصل برائت تأکید ماده ۵ قانون جدید با جرم‌انگاری وسیع استفاده از ابزارهای ارتباطی و وابسته کردن مجازات به نیت مبهم مقابله، این اصول را نقض می‌کند، زیرا آزادی ارتباطات را محدود و اصل قانونی بودن جرایم و اصل برائت را زیر سؤال می‌برد.

بنابراین، چنین ممنوعیتی چالش جدی برای نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود و می‌تواند نقض حقوق اساسی شهروندان باشد. نه تنها مشروعیت خود را از دست می‌دهد، بلکه مورد خشم الهی و لعنت پیامبر نیز قرار می‌گیرد. مسلمانان مطابق حدیث پیامبر مامورند که در برابر چنین ظلمی سکوت نکنند؛ بلکه با گفتن حق و بازداشتن حاکم از ظلم، هم مظلوم را یاری کنند و هم ظالم را از ادامه ظلم بازدارند.

ممنوعیت استفاده و توزیع ابزارهای ارتباطی مانند استارلینک، از منظر اصول قانون اساسی ایران، به‌ویژه اصول مرتبط با آزادی بیان و ارتباطات، چه چالشی ایجاد می‌کند؟ آیا می‌توان آن را محدودیتی مشروع دانست یا نقض صریح حقوق اساسی شهروندان است؟

قانون اساسی ایران در اصل ۲۴ آزادی مطبوعات و بیان را تضمین می‌کند، مگر آنکه به مبادی اسلام یا حقوق عمومی لطمه بزند. اصل ۵۲ نیز سانسور و کنترل ارتباطات خصوصی را به‌جز مواردی که قانون آشکارا اجازه می‌دهد، ممنوع می‌کند. اصول ۳۶ و ۳۷ بر محاکمه عادلانه و اصل برائت تأکید ماده ۵ قانون جدید با جرم‌انگاری وسیع استفاده از ابزارهای ارتباطی و وابسته کردن مجازات به نیت مبهم مقابله، این اصول را نقض می‌کند، زیرا آزادی ارتباطات را محدود و اصل قانونی بودن جرایم و اصل برائت را زیر سؤال می‌برد.

بنابراین، چنین ممنوعیتی چالش جدی برای نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود و می‌تواند نقض حقوق اساسی شهروندان باشد.

نه تنها مشروعیت خود را از دست می‌دهد، بلکه مورد خشم الهی و لعنت پیامبر نیز قرار می‌گیرد. مسلمانان مطابق حدیث پیامبر مامورند که در برابر چنین ظلمی سکوت نکنند؛ بلکه با گفتن حق و بازداشتن حاکم از ظلم، هم مظلوم را یاری کنند و هم ظالم را از ادامه ظلم بازدارند.

ممنوعیت استفاده و توزیع ابزارهای ارتباطی مانند استارلینک، از منظر اصول قانون اساسی ایران، به‌ویژه اصول مرتبط با آزادی بیان و ارتباطات، چه چالشی ایجاد می‌کند؟ آیا می‌توان آن را محدودیتی مشروع دانست یا نقض صریح حقوق اساسی شهروندان است؟

قانون اساسی ایران در اصل ۲۴ آزادی مطبوعات و بیان را تضمین می‌کند، مگر آنکه به مبادی اسلام یا حقوق عمومی لطمه بزند. اصل ۵۲ نیز سانسور و کنترل ارتباطات خصوصی را به‌جز مواردی که قانون آشکارا اجازه می‌دهد، ممنوع می‌کند. اصول ۳۶ و ۳۷ بر محاکمه عادلانه و اصل برائت تأکید ماده ۵ قانون جدید با جرم‌انگاری وسیع استفاده از ابزارهای ارتباطی و وابسته کردن مجازات به نیت مبهم مقابله، این اصول را نقض می‌کند، زیرا آزادی ارتباطات را محدود و اصل قانونی بودن جرایم و اصل برائت را زیر سؤال می‌برد.

## طرح تشدید مجازات جاسوسی؛ بهره‌برداری فرصت طلبانه از شرایط جنگی



### میلاد پورعیسی

پس از حمله اسرائیل به ایران و در اولین جلسه مجلس پس از جنگ ۱۲ روزه، طرح «تشدید مجازات جاسوسان و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» بررسی شد و به تصویب رسید.

مجلس این طرح را در ۹ ماده در ۲ تیرماه ۴۰۴۱ با دو فوریت به رای نمایندگان گذاشت و بعد از تصویب، برای تایید به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان هم بعد از ابراز شمار زیادی از ایرادها، طرح را به مجلس پس فرستاد و حالا با اصلاحات صورت گرفته، نگرانی بابت افزایش شدید مجازات اعدام و دایره گسترده مصادیق تعیین شده برای جرم جاسوسی، فعالان مدنی را به اعتراض وا داشته است.

این طرح از دید بسیاری نوعی سوءاستفاده قانونی از فضای پس از جنگ، برای امنیتی کردن بیش از پیش شرایط کشور به شمار می‌رود. بلافاصله پس از ابلاغ این قانون، ۵۷ وکیل دادگستری در بیانیه‌ای، تصویب آن را تلاشی در جهت «افزایش بگیر و ببندهای بی‌ضابطه» و «تشدید رویکردهای امنیتی» دانسته و به طور

مفصل به نقد آن پرداختند.

حسین ریسی، حقوق‌دان ساکن کانادا، یکی از کارشناسان منتقد طرح تشدید مجازات جاسوسی است که در گفت‌وگو با «حقوق ما» تاکید می‌کند این طرح در عمل تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی چهره شکست‌خورده خود از نظر اطلاعاتی و امنیتی است: «قانون تشدید مجازات جاسوسی، واکنش احساسی و شتاب‌زده جمهوری اسلامی به شکست اطلاعاتی این حکومت در حمله اسرائیل به ایران است. این روند هم کارکرد تبلیغاتی دارد و هم در عمل تأثیرات مخربی در دادرسی این پرونده‌ها خواهد داشت.»

عجله مجلس در تصویب این طرح موجب شد حتی شورای نگهبان آن را در برخی موارد مغایر با قانون اساسی دانسته و حتی به صراحت آن را در مواردی عامل محدودیت قوانین آزادی بیان مشروع ارزیابی کند.

از آثار احتمالی مهم تصویب این طرح در صورت تبدیل به قانون به نظر حسین ریسی، «به مسلخ بردن افراد بی‌گناه» به خاطر «رسیدگی‌های شتاب زده به پرونده‌ها» است که با این طرح مشروعیت می‌یابد: «شتاب‌زدگی شدید در تدوین این قانون باعث ایرادات شکلی و محتوای فراوان و به شدت خطرناکی شده است. از جمله ایرادات شکلی، کوتاه کردن مواعدهای قانونی دادرسی

است. دادرسی به ۵ روزه شدن روند دادرسی و کاهش فرصت تجدید نظرخواهی از بیست به ده روز و دیگر موعدهای قانونی، از نکات برجسته این طرح است که به صورت مشخص می‌تواند این آسیب بزرگ را ایجاد کند.»

### تعطیلی قانون با تصویب قانون

عطف به ماسبق شدن طرح تشدید مجازات جاسوسی، یکی دیگر از بحث‌انگیزترین نقدهایی بود که به آن مطرح شد: «در ماده نهم، قانون را عطف به ما سبق می‌کند که این کار به وضوح با قانون اساسی در تضاد است. هیچ قانونی نمی‌تواند به زمان قبل از تصویب خود تسری یابد. مجلس مدعی است این ایراد را برطرف کرده است، در حالی که به طور کامل برطرف نشده است و صرفاً نحوه دور زدن قانون اساسی کمی پیچیده‌تر از قبل شد.»

شورای نگهبان یک دور از همین ماده هم به خاطر مغایرت قانون اولیه مصوب مجلس با اصل ۹۶۱ قانون اساسی ایراد گرفته بود.

طرح اولیه به طرز عجیبی مقرر کرده بود که مجازات‌ها از زمان تصویب مجلس اعمال شود، نه پس از تبدیل شدن آن به قانون نهایی، و همچنین شامل جرایمی شود که قبل از تصویب آن آغاز شده بودند.

حالا در ماده نهم قانون آمده است: «این قانون از زمان تصویب لازم‌الاجرا است. مجازات‌های

اصول قانون‌گذاری و به‌ویژه قوانین قضایی است، خود زمینه را برای تشدید بی‌عدالتی و سوءاستفاده نهادهای امنیتی در جهت تشدید نقض حقوق شهروندی فراهم می‌کند.»

ابهام در تعریف دولت‌های متخاصم تنها یکی از موارد طرح مصوب مجلس است. یک بار شورای نگهبان از این ابهام ایراد گرفت، ولی باز

با اصلاح مجلس هم تغییری نکرد.

در ماده اول طرح برای تعریف دول متخاصم و همکاری مجرمانه با آن‌ها، «هرگونه فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت‌های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم یا برای هر یک از عوامل وابسته به آن‌ها» تعریف شده است. در اصلاح صورت گرفته در مجلس هم، مرجع تشخیص

دولت‌های متخاصم، نهادهای امنیتی مثل شورای عالی امنیت ملی عنوان شده است.

از آن سو، این طرح با وارد کردن عناوینی مثل محاربه و افساد فی الارض در جرم جاسوسی، در واقع مجازات این جرم را که بر اساس قانون نهایتاً ده سال زندان بوده، تا حد اعدام افزایش داده است.

از حسین رئیسی، حقوق‌دان درباره معنا و تاثیر عملی این بخش از طرح پرسیدیم: «این به آن معنا است که قضات با استناد به این قانون می‌توانند، جاسوسی را مصداق افساد فی الارض

و محاربه تشخیص داده و حکم اعدام را برای متهمان آن صادر کنند. با وجود ابهامات و کلی گویی‌های انجام شده در مصادیق جاسوسی این روند می‌تواند به افزایش فزاینده مجازات اعدام در ایران بینجامد که تا همین امروز هم جزو نخستین رتبه‌های اجرای اعدام در سراسر جهان بوده است.»

در ماده پنجم طرح مجلس با باز گذاشتن دست قضات دادگاه‌های انقلاب برای تشخیص جرم محاربه برای متهمان آمده است: «تأمین، تولید، توزیع، نصب و راه‌اندازی و واردات به قصد توزیع ابزارهای مذکور مستوجب حبس تعزیری درجه پنج و نیز انجام کلیه موارد مذکور به قصد مقابله با نظام یا جاسوسی در صورتی که افساد فی الارض یا محاربه نباشد، مستوجب حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود.»

جدا از محاربه و افساد فی الارض که می‌تواند مجازات اعدام را به دنبال داشته باشد، در ماده دوم این طرح نیز، برای برخی دیگر از مصادیق تازه برای جرم جاسوسی، به صورت مستقیم مجازات اعدام تعیین شده است. در این ماده: «هرگونه اقدام امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناورانه، و یا هرگونه مساعدت مستقیم و غیرمستقیم» که «منجر به تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی» باشد هم با مجازات اعدام روبه‌رو خواهد شد.

## طرح تشدید مجازات همکاری با اسرائیل زیر ذره بین؛ اعدام برای ۱۰۰ دلار



امیر عباس کلبر

که در ایام جنگ ۱۲ روزه بازداشت شده‌اند. او تأکید می‌کند که بهانه بسیاری از این بازداشت‌ها، توسل به قانون جدید مقابله با اقدامات خصمانه اسرائیل بوده است. این قانون، با تعریف مبهم از «همکاری» و «کشورهای متخاصم»، راه را برای تفسیرهای گسترده و سوءاستفاده‌های قضایی هموار کرده و به گفته این وکیل، عملاً شهروندان عادی را هدف قرار داده است، نه جاسوسان واقعی یا عوامل سرویس‌های بیگانه.

این وکیل که به دلیل حساسیت موضوع خواستار افشا نشدن نامش شده، معتقد است که این قانون نه تنها با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه اصل نهم که سلب آزادی‌های مشروع را حتی با وضع قانون ممنوع می‌داند، در تضاد است، بلکه نقض آشکار موازین بین‌المللی حقوق بشر، از جمله حق دادرسی عادلانه و دسترسی به وکیل را به دنبال دارد.

او به مواردی چون جرم‌انگاری استفاده از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک، ارسال محتوا به رسانه‌های خارجی یا حتی فعالیت‌های ساده در شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند که می‌توانند به اتهامات سنگینی منجر شوند؛ اتهام‌هایی که می‌تواند مجازات اعدام را در پی داشته باشد.

به گفته او، در بسیاری از زندان‌ها، زندانیان جدید با اتهامات مبهم و بدون دسترسی به وکیل یا امکان اعتراض به احکام، در شرایط نگران‌کننده‌ای به سر می‌برند. این گفت‌وگو همچنین به تناقض‌های آشکار در طرح جدید، از جمله تعریف غیرشفاف «کشور متخاصم» و تشدید برخورد با شهروندان دوتابعیتی، می‌پردازد. در حالی که مقامات ایران از یک سو با آمریکا مذاکره می‌کنند، از سوی دیگر،

در پی تشدید تنش‌های منطقه‌ای و به دنبال جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ جمهوری اسلامی با تصویب و اجرای قانون جنجالی «تشدید مجازات همکاری با اسرائیل» موجی از سرکوب داخلی را به راه انداخته است. این قانون که به بهانه مقابله با تهدیدات امنیتی و نفوذ دشمن خارجی طراحی شده، به ابزاری برای سرکوب شهروندان، فعالان مدنی و سیاسی و حتی افراد عادی تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی و منابع حقوق بشری، بیش از ۸۰۰ نفر در شهرهای مختلف ایران، از جمله تهران، کرمانشاه، اصفهان، خوزستان، فارس و لرستان، در ارتباط با این قانون بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها که در جریان و پس از درگیری‌های نظامی اخیر انجام شده، نشان‌دهنده عمق نگرانی‌های حاکمیت از نفوذ ادعایی اسرائیل و در عین حال، تلاش برای کنترل نارضایتی‌های داخلی است.

گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، با وکیلی برجسته در ایران انجام شده که سال‌هاست وکالت پرونده‌های متعدد فعالان سیاسی و مدنی را بر عهده داشته و در خط مقدم دفاع از حقوق متهمان در برابر اتهامات امنیتی ایستاده است. به گفته این وکیل، زندان‌های ایران در حال حاضر مملو از زندانیان جدیدی است

این قانون را برای مجازات افرادی که حتی ارتباط ساده‌ای با کشورهای غربی دارند، به کار می‌برند.

این وکیل هشدار می‌دهد که چنین رویکردی نه تنها به نقض گسترده حقوق شهروندی منجر شده، بلکه به جای تقویت امنیت ملی، به بی‌اعتمادی عمومی و تشدید ناراضی‌های دامن زده است. آنچه در ادامه می‌آید، روایتی از عمق این بحران حقوقی و انسانی است که ایران را در بر گرفته است.

**هدف اصلی قانون‌گذاران از ارائه طرح تشدید مجازات همکاری با اسرائیل چیست؟ آیا این طرح پاسخی به تهدیدات واقعی امنیتی است یا اهداف سیاسی دیگری را دنبال می‌کند؟**

علت اصلی نگارش این قانون، در واقع، واکنشی شتاب‌زده به جنگ ۱۲ روزه و اتفاقات بسیار وحشتناکی بود که برای سیستم دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی رخ داد. اما حتی در این مورد هم، به جای اینکه حاکمیت به تهدیدات اصلی بپردازد و به فکر مقابله با آن‌ها برای منافع ملی باشد، به تشدید سرکوب فعالان داخل کشور روی آورد. به همین دلیل، تصویب این طرح، در واقع، اقدامی برای مقابله با اولویت‌بندی‌های خودشان است که همواره مردم را دشمن می‌پندارند و آن‌ها را خطرناک‌تر از دشمن خارجی می‌دانند.

با وجود تمام این مسائل، به نظرم این طرح پاسخ‌گو نخواهد بود، چرا که جامعه هدف آن نه جاسوسان و عوامل سرویس‌های بیگانه، بلکه عملاً مردم داخل کشور هستند. زمانی که به بسیاری از بندهای این قانون توجه می‌کنیم، می‌بینیم که هدف‌گذاری

آن عملاً برای شهروندان عادی جامعه است، نه دشمنان خارجی.

**در کنار صحبت‌های شما در رابطه با این طرح، بسیاری از حقوق‌دانان دیگر، از جمله در بیانیه ۵۷ نفر از وکلا و اساتید حقوق، این طرح را به دلیل جرم‌انگاری‌های مبهم و نقض اصول دادرسی عادلانه مورد انتقاد قرار داده‌اند. به‌طور واضح، چه ایرادات حقوقی مشخصی در این طرح مشاهده می‌کنید؟**

متأسفانه این قانون تمامی اصول پذیرفته‌شده حقوقی در چند صد سال اخیر را زیر پا گذاشته و هیچ توجهی به تناسب حقوقی بین جرم و مجازات نکرده است. برای مثال، جالب است بدانید که در این طرح، حتی در ازای مبلغ ۱۰۰ دلار، فرد می‌تواند در آستانه مجازات اعدام قرار بگیرد. به همین علت، باز هم تأکید می‌کنم که هیچ تناسبی بین فعل ارتكابی و مجازات تعیین‌شده در این طرح وجود ندارد.

نکته دیگر در این طرح، جرم‌انگاری مواردی مثل اینترنت ماهواره‌ای استارلینک یا وسایل ارتباطی است که در ابتدا شهروندان را هدف قرار داده و در ادامه، وسایل ارتباطی و گردش آزاد اطلاعات در جامعه ایران را هدف گرفته است. در نتیجه، جمهوری اسلامی به جای اینکه ضعف‌های خود را ترمیم کند، با این طرح، مثل تمام سالیان گذشته، به فکر سرپوش گذاشتن بر ضعف‌های خود بوده است.

**در صحبت‌هایتان، مشخصاً به شهروندان،**

جامعه، سرکوب فعالان مدنی و سیاسی و محدودیت آزادی ارتباطات با اجرایی شدن این طرح اشاره کردید. حالا سوالم این است که این طرح چگونه می‌تواند بر حقوق شهروندی، به‌ویژه آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به وکیل تأثیر بگذارد؟ آیا حتی این طرح می‌تواند به سوءاستفاده‌های قضایی منجر شود؟

عملاً این طرح، طرحی است که شاید تا به امروز، شبیه آن را در طول حیات جمهوری اسلامی نداشته‌ایم، چراکه تمامی حقوق شهروندان با این طرح زیر سوال می‌رود و همانند طرح دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی است که استجازه آن را از رهبری گرفته بودند. حالا اینجا هم اصول عادی و آیین دادرسی صراحتاً زیر پا گذاشته شده و اعلام شده که جز مجازات اعدام، هیچ‌کدام از مجازات‌ها و احکام صادره دیگر اساساً قابل اعتراض نیست.

در صورتی که، برای مثال، وقتی از حق دسترسی آزاد به وکیل صحبت می‌کنیم، بدیهی است که وکیل بتواند اقدامی انجام دهد، اما اینجا حق اعتراضی گذاشته نشده است. متأسفانه فاجعه خیلی فراتر از این است که اصلاً به مواردی مثل حضور وکیل بخواهیم اشاره کنیم. در یک مورد، برای مثال، اگر فرد ۳۰ سال زندان بگیرد، طبق این قانون، اصلاً اجازه اعتراض به آن را ندارد.

**در کنار موارد و انتقادهایی که شما مطرح کردید، یکی از انتقادات اصلی به این طرح، ابهام در تعریف "همکاری" و "کشورهای**

متخاصم" است. این ابهامات چگونه می‌توانند در عمل تفسیر شوند و چه خطراتی برای افراد ایجاد می‌کنند؟

مسئله‌ای که وجود دارد این است که ما قبلاً هیچ چیزی تحت عنوان کشور متخاصم نداشتیم و به صراحت عرض می‌کنم که حتی آمریکا و اسرائیل هم متخاصم محسوب نمی‌شدند. به یاد دارم که در یکی از پرونده‌هایی که علیه یکی از فعالان سیاسی در سال‌های قبل مطرح شده بود و اتهام همکاری با دول متخاصم به او وارد شده بود، در آن زمان صراحتاً استعلامی از وزارت امور خارجه انجام دادند در خصوص اینکه کشورهایی که ما با آن‌ها در حالت تخاصم هستیم را اعلام کنید. چند روز بعد از این استعلام، وزارت امور خارجه طی یک پاسخ رسمی اعلام کرده بود که ما در حال حاضر نه با آمریکا و نه با هیچ کشور دیگری در حال تخاصم نیستیم.

البته، نکته این بود که اسرائیل را به عنوان یک کشور قبول نداشتند که بخواهند آن را به عنوان کشور متخاصم در نظر بگیرند و از این طریق بتوانند افراد را محاکمه کنند. اما این قانون به صراحت گفته است که آمریکا و اسرائیل کشورهای متخاصم هستند و در نتیجه، راه را برای مجازات بسیاری از افراد و شهروندان باز کرده است. بسیاری از هم‌وطنانمان دوتابعیتی هستند، خانواده‌هایشان در رفت‌وآمد هستند و وقتی ما دولت مطبوع آن‌ها را دولت متخاصم معرفی می‌کنیم و همکاری با آن را مستوجب مجازات‌های بسیار سنگین در نظر می‌گیریم، در نتیجه، برخوردهای امنیتی با شهروندان دوتابعیتی تشدید می‌شود و حتی جنبه قانونی هم به خود می‌گیرد. حالا بماند که ایالات

متحدہ آمریکا را در حالی دولت متخاصم معرفی کرده‌اند که با آن در حال مذاکره هستند. می‌بینید؟ طرح پر از تناقض و نقض حقوق شهروندان است.

**حالا که به تناقض‌ها اشاره کردید، یکی دیگر از تناقض‌های این طرح، تناقض با قانون اساسی است. با توجه به اصل نهم قانون اساسی که سلب آزادی‌های مشروع را حتی با وضع قانون ممنوع می‌داند، آیا این طرح با قانون اساسی و موازین شرعی سازگار است؟**

این قانون نه تنها با قانون اساسی، بلکه با بسیاری از قوانین موضوعه و با بسیاری از میثاق‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی مغایرت دارد. در اصل، این قانون چیزی از قانون اساسی باقی نگذاشته است. مشخصاً اصل نهم که در واقع می‌گوید هیچ‌کس حق ندارد آزادی‌های مشروع مردم را، ولو با تصویب قوانین، ولو به بهانه امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی محدود کند، زیر پا گذاشته است. پس این قانون به صراحت، حتی با اینکه تصویب شده، مخالف قانون اساسی است. شورای نگهبان اگر به جای بازی‌های گروهی و جناحی، واقعاً به فکر حقوق ملت بود، باید مغایرت این قانون با قانون اساسی را اعلام می‌کرد. منتها، موضوع این است که سال‌هاست اولویت آقایان، حقوق مردم و منافع ملی نیست. در نهایت، بنده این قانون را صرفاً در راستای این مسئله می‌دانم که خدمتی باشد برای حفظ و بقای جمهوری اسلامی، نه برای برقراری نظم، نه برای رفاه مردم، بلکه قانونی است برای حکومت جمهوری اسلامی علیه مردم.

**دادگاه‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی از دیگر مواردی است که به آن اشاره کردید. موضوعی که در بیانیه حقوق دانان هم به تجربه ناموفق این شعب اشاره شده بود. چه شباهت‌هایی بین این طرح و رویه‌های قضایی گذشته می‌بینید؟**

در واقع، بسیاری از ویژگی‌ها و خاصیت‌های غیرقانونی که برای شعب ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظر گرفته شده بود، که حتی آن محدودیت‌ها را برای مفسدان اقتصادی هم، ما وکلا قانونی ندانسته و نمی‌دانیم، حالا با در نظر گرفتن و با تصویب این قانون، احتمالاً برای متهمان سیاسی و امنیتی هم در نظر گرفته خواهد شد. بحث این است که قرار نیست قانون، حقوق شهروندی و تضمین حقوق پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی فقط برای زندانیان سیاسی باشد، بلکه باید برای تمام شهروندان باشد. این بی‌قانونی برای زندانیان اقتصادی هم محکوم بود، اما متأسفانه نه تنها برطرف نشد، بلکه به غیر از متهمان اقتصادی، حالا می‌خواهند با این قانون، از متهمان عقیدتی و سیاسی هم بخش بسیار زیادی از حقوقشان را بگیرند و امکان دفاع را از آن‌ها سلب کنند و امکان دادرسی منصفانه با مواردی که برای نحوه رسیدگی به اتهامات مرتبط با این قانون پیش‌بینی شده، وجود ندارد.

**به نقض حقوق متهمان اشاره کردید و می‌خواهم برایمان به طور خلاصه بگوئید که به نظرتان، وکلای دادگستری در دفاع از متهمان پرونده‌های مرتبط با این طرح با چه**

**موانعی مواجه می‌شوند؟**

مسئله اینجاست که حتی تا پیش از این قانون، به کمک تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حضور وکلای دادگستری در مرحله دادرسی عملاً منع شده بود و قید شده بود که فقط وکلایی که در لیست مورد تأیید قوه قضاییه ذکر شده‌اند، می‌توانند

در این پرونده‌ها همکاری داشته باشند. حالا این قانون، علاوه بر این موضوع که در گذشته وجود داشت، محدودیت‌های بسیار زیاد دیگری را هم پیش‌بینی کرده است. در یک مثال ساده، وقتی وکیل به رأی نتواند اعتراض کند، پس اساساً دفاع از متهم دیگر مفهومی ندارد. این قانون، رسیدگی تک‌مرحله‌ای را که شاید بیش از صد سال است که از تمامی نظام‌های حقوقی دنیا کنار گذاشته شده، دوباره می‌خواهد احیا کند.

**با تمام توضیحاتی که مطرح شد، چنین قانونی سراسر پر از ایراد و ابهام و البته نقض حقوق شهروندی است. سؤال این است که آیا تا پیش از این در سیستم قضایی جمهوری اسلامی، شاهد نقض حقوق شهروندی نبودیم؟ آیا نهادهای امنیتی و یا برخی از قضات به صورت غیرعلنی به پیشبرد اهداف مدنظر جمهوری اسلامی کمک نمی‌کردند؟ حالا اما چه شده که به صورت علنی برای نقض حقوق شهروندی و برخورد، قانون تصویب می‌شود؟**

جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی امنیتی، تاکنون و قبل از تصویب این قانون، تلاش زیادی داشتند که با نگر داشتن افراد خاصی در دستگاه قضایی و

سیستم‌های اطلاعاتی، مثل قاضی صلواتی که با وجود تمام فسادهایی که ایشان مرتکب شده بود، در سمت خود باقی مانده بود، نیروهای انسانی خودشان را در مواجهه با بحران‌های داخلی داشته باشند تا قضات احکام مدنظر نهادهای امنیتی را بتوانند صادر کنند.

منتها مسئله‌ای که اکنون وجود دارد این است که نارضایتی‌ها از شرایط موجود کشور به قدری زیاد شده و مخالفت مردم با دستگاه حکومتی به قدری علنی شده است که حتی این نیروهای انسانی هم نمی‌توانند به داد حاکمیت برسند. پس حکومت با قانون‌گذاری‌های سخت‌گیرانه و ظالمانه و ابلاغ این قوانین، هم می‌خواهد به شهروندان معترض و فعالان مدنی و سیاسی پیام برخورد و تهدیدآمیز بدهد و هم از سوی دیگر، دست قضات وابسته را در برخورد با مردم بازتر بگذارد.

در ادامه هم باید بگویم که متأسفانه، تصویب این قانون نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از هیچ یک از اشتباهات گذشته درس نگرفته است. حتی برای امنیت خود هم توان تشخیص مسیر واقعی نفوذ را نمی‌شناسد. به همین علت، ایران عملاً به یک چهارراه تبدیل شده که تمام دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بیگانه هر کاری دلشان می‌خواهد، می‌توانند انجام بدهند و در مقابل، نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی، به جای برخورد با آن‌ها، همچنان مواضع خودشان را در مقابله با مردم تقویت می‌کنند و چنین قانونی وضع می‌کنند که صرفاً ابزاری برای کنترل و سرکوب شهروندان و فعالان سیاسی و مدنی توسط حکومت خواهد بود.

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)